

نقد تأثیر تصوّف بر آداب «استاد و شاگرد» در کتب تعلیم و تربیت اسلامی قرون میانه (4 تا 7 ق)

سید محمدرضا حسینی¹، محمدطاهر یعقوبی²
سید حسن قریشی کرین³، محمدامین میکائیلی⁴

چکیده

هدف: هدف از انجام این پژوهش، بررسی تأثیر رابطه «مرید و مرادی» صوفیه بر آداب «استاد و شاگرد» در رویکرد مبتنی بر کتاب و سنت تعلیم و تربیت اسلامی و نقد آن بود. **روش:** روش این پژوهش، کیفی بود و با مراجعه به منابع تاریخی و کتب تعلیم و تربیت اسلامی در قرون میانی (4 تا 7 ق)، به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام شد. **یافته‌ها و نتیجه‌گیری:** رابطه «مرید و مرادی» از آداب صوفیه است. در این رابطه، مرید تسلیم محض مرادش است. این آداب توسط نویسندگان تعلیم و تربیت اسلامی، الگوپردازی و به عنوان وظایف اخلاقی شاگرد مقابل استاد مطرح شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد رواج این آداب در بین طلاب، باعث ایجاد نوعی رابطه کاذب اخلاقی بین استاد و شاگرد، سلب اعتماد به نفس، استقلال اندیشه، جسارت نقّادی و مطالبه‌گری علمی شاگرد مقابل استاد شده است.

واژگان کلیدی: صوفیه، تعلیم و تربیت اسلامی، مرید و مرادی، استاد و شاگرد، قرون میانه.

◆ دریافت مقاله: 00/02/01؛ تصویب نهایی: 00/05/17.

1. دکتری مدرسی معارف اسلامی، تاریخ و تمدن اسلامی؛ دانشیار دانشگاه پیام نور(نویسنده مسئول)./نمابر: 7780138

Email: mreza-hoseini@yahoo.com

2. دکتری تاریخ اسلام؛ استادیار دانشگاه پیام نور.

3. دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی؛ استادیار دانشگاه پیام نور.

4. دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی، تاریخ و تمدن اسلامی؛ عضو هیئت علمی دانشگاه محقق اردبیلی.

الف) مقدمه

تصوّف یکی از جریانهای مهم و تأثیرگذار در شئون مختلف فرهنگ و تمدن اسلامی است. اندیشه‌های صوفیه در نظام تعلیم و تربیت اسلامی نیز تأثیرات ژرف و فراوان داشته است. یکی از این تأثیرات، الگوپذیری تامّ آداب استاد و شاگرد در رویکرد تعلیم و تربیت اسلامی مبتنی بر کتاب و سنت، از رابطه مرید و مرادی در نظام تربیتی صوفیه است. نویسندگان کتب تعلیم و تربیت اسلامی در دورهٔ میانه (قرن 7-4 ق)، آداب مرید و مرادی صوفیه را به عنوان آداب و فضایل اخلاقی لازم و ضروری برای طلاب علم در ارتباط با اساتیدشان معرفی کرده و آن را به آیات قرآن و سیرهٔ صحابه و تابعین مستند کرده‌اند. این الگوپذیری باعث به وجود آمدن نوعی رابطهٔ اخلاقی کاذب و غیر منطقی بین شاگردان و استادانشان در حوزه‌های علمی تمدن اسلامی شده است که تبعات خاص آن را در فرهنگ و تمدن اسلامی می‌توان دید.

هدف اصلی پژوهش حاضر، نشان دادن تأثیر اندیشه‌های صوفیه بر تعلیم و تربیت اسلامی و نقد آن است. برای این منظور، تأثیر آداب «مرید و مرادی» در رویکرد صوفیانه به تعلیم و تربیت، بر آداب «استاد و شاگرد» در رویکرد مبتنی بر کتاب و سنت نظام تعلیم و تربیت اسلامی در بازهٔ زمانی قرون میانی؛ یعنی سده‌های چهارم تا هفتم قمری بررسی شده است. از جمله کتابهای مهم تعلیم و تربیت اسلامی این دوره، «جامع بیان العلم و فضله» از ابن عبدالبر قرطبی (368-463 ق)، «الذریعه الی مکارم الشریعه» نوشتهٔ راغب اصفهانی (متوفای 502 ق)، «احیاء علوم الدین» و «فاتحهٔ العلوم» اثر امام محمد غزالی (450-505 ق)، «ادب العالم و المتعلّم» اثر امام نووی (631-673 ق) و «تذکره السامع و المتکلم فی آداب العالم و المتعلّم» از ابن‌الجماعه (639-733 ق) است.

دربارهٔ تعلیم و تربیت اسلامی و صوفیه، کتب و مقالات مستقل بسیاری نوشته شده است. در تلفیق بین دو موضوع، علی‌اکبر افراسیاب‌پور در مقالهٔ «تعلیم و تربیت عرفانی»، مبانی نظری تعلیم و تربیت عرفانی و راهکارهای عملی آن را ارائه داده است. قهرمان مددلو «مبانی فلسفی، عرفانی و روایی تعلیم و تربیت» و بابک شمشیری و نقیب‌زاده «فرایند تعلیم و تربیت با اقتباس از مبانی عرفان اسلامی» را بررسی کرده‌اند. تنها تحقیقی که در زمینهٔ موضوع این پژوهش انجام شده، «تأثیر عرفان و تصوّف اسلامی بر کیفیت تعلیم و تربیت ایرانی» از محمود نوالی است و غیر از آن، مقاله یا پایان‌نامه‌ای در این موضوع نگاشته نشده است. وجه تمایز پژوهش حاضر این است که نوالی به صورت کلی به اهداف و روشهای تربیت عرفانی و برخی تأثیرات منفی تصوّف بر تعلیم و تربیت پرداخته است (نوالی، 1373: 182)؛ در حالی که پژوهش حاضر به صورت ویژه بر موضوع الگوپذیری آداب «استاد و شاگرد» در کتب تعلیم و تربیت اسلامی قرون میانهٔ اسلامی، به رابطهٔ «مرید و مرادی» صوفیه و تأثیرات آن پرداخته است. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی، با مراجعه به کتب تاریخی، اعم از تراجم و طبقات، آثار صوفیه و منابع دست اول تعلیم و تربیت اسلامی در قرون میانه و نقد تأثیر آداب «مرید و مرادی» صوفیه در «رویکرد مبتنی بر کتاب و سنت» تعلیم و تربیت اسلامی انجام شده است.

ب) مفاهیم

1. تعلیم و تربیت اسلامی در قرون میانه

در قرون نخستین اسلامی، مساجد در کنار کاربری عبادی، نقش آموزشی نیز داشتند. آموزش در این دوره، محدود به آموختن قرآن، فقه و حدیث بود. اما از اواخر قرن سوم و قرن چهارم در جهان اسلام به ویژه در خراسان، به تدریج تأسیس و گسترش مدارس برای تعلیم و تربیت در مقاطع بالاتر و علوم تخصصی تر شکل گرفت (شلی، 1387: 114). در کنار مساجد و مدارس، خانقاه‌ها و مراکز تصوّف نیز ضمن ایفای نقش تربیتی ویژه و سیر و سلوک عرفانی، کاربری آموزشی نیز داشتند (کیانی، 1369: 374-376). در قرن پنجم با تأسیس نظامیها توسط نظام‌الملک طوسی، تحولی در تعلیم و تربیت اسلامی روی داد (غنیه، 1364: 118-119). ویژگی مهم تعلیم و تربیت در نظام آموزشی نظامیه، نبودن آزادی اندیشه و منحصر بودن تعلیم و تعلّم در علوم نقلی و ترویج عقاید فقهی - کلامی مورد توجه نظام‌الملک، یعنی فقه شافعی و کلام اشعری بود. این نوع تعلیم و تربیت گزینشی با اغراض سیاسی - مذهبی، به پیروزی نسبی و رواج گفتمان اصحاب حدیث و سنّت در جهان اسلام انجامید (اوپولر، 1377، ج 2: 281). تسلط نقل‌گرایی و اندیشه اشعری تعلیم داده‌شده و توسعه یافته در مدارس نظامیه بر فرهنگ و تمدن اسلامی، نه تنها در قرون میانه اسلامی، که تا امروز نیز در جهان اسلام، به ویژه در اهل سنّت کمابیش باقی مانده است.

2. تصوّف در قرون میانه

تصوّف در قرن اول قمری، با تمایل برخی مسلمانان به زهد و در قرن دوم با تبدیل زهد به یک مشرب فکری به وجود آمد (دهباشی و میرباقری‌فرد، 1394: 52-53). اما تثبیت تصوّف به عنوان یک جریان در تمدن اسلامی، در قرن چهارم اتفاق افتاد و تألیفات صوفیه در این قرن جنبه علمی و تعلیمی پیدا کرد (همان: 109). در قرن پنجم، تعداد خانقاه‌ها و تألیفات صوفیانه گسترش چشمگیر داشت (همان: 126). در قرن ششم، به موازات طرح موضوعات تازه و دگرگونی اساسی در تصوّف، تقابل اساسی بین ایشان و علمای شریعت به وقوع پیوست (همان: 149). در قرن هفتم، با ظهور ابن عربی، پدر عرفان نظری، تطوّر بزرگ تصوّف اتفاق افتاد و سنّت عرفانی جدیدی وارد عرصه شد. (میرباقری‌فرد، 1394: 24)

3. رویکردهای تعلیم و تربیت اسلامی

در نظام تعلیم و تربیت اسلامی چهار رویکرد عمده وجود دارد: الف) رویکرد مبتنی بر کتاب و سنّت؛ رویکرد غالب در نظام تعلیم و تربیت اسلامی که تا امروز در مراکز علمی جهان اسلام به آن عمل می‌شود. در این رویکرد، تمام اصول و مبانی تعلیم و تربیت، از آیات قرآن و سنّت نبوی و سیره صحابه اتخاذ می‌شود. قائلین این رویکرد با توجه به گرایش حدیثی، اخلاقی و فقهی، قابل انقسام به این سه دسته‌اند. ب) رویکرد صوفیانه؛ که در تعلیم و تربیت عرفانی، نظریه ویژه تربیتی با عنوان «مرید و مرادی» را به کار

گرفته‌اند. ج) رویکرد فلسفی؛ که بیشتر برگرفته از آرای فلاسفه یونانی همچون افلاطون و ارسطو است و غیر از شرح، بسط و اسلامی‌سازی، نوآوری خاصی در تمدن اسلامی نداشته است. د) رویکرد اجتماعی؛ که توسط ابن خلدون مطرح و بعد از وی، مورد توجه برخی نویسندگان واقع شد؛ ولی در تمدن اسلامی عملاً توجه چندانی به آن نشد. (باغستانی، 1375، ج 1: 5016-5017)

ج) رویکرد صوفیانه به تعلیم و تربیت

در نظام تعلیم و تربیت اسلامی، صوفیه رویکرد ابداعی مخصوصی ارائه داده و در سیستم آموزشی خود به کار برده‌اند که به رابطه «مرید و مرادی» مشهور شده است. صوفیه این روش را از داستان موسی و خضر در قرآن اقتباس کرده‌اند.

1. ویژگی‌های رویکرد صوفیانه به تعلیم و تربیت

یک) اصالت تربیت: در نظام تعلیم و تربیت صوفیه، اصل بر تربیت است. غزالی معتقد است اولین وظیفه متعلم، طهارت قلب از رذایل است؛ چون علم، عبادت قلب و نماز، سر است و بدون طهارت قلب، نماز باطل است (غزالی، 1322: 56). تربیت پیر مراد، محدود به زمان و مکان کلاس و درس نیست؛ بلکه پیر، مرید را «روز به روز و ساعت به ساعت تربیت می‌کند» (همدانی، 1341: 32). صوفیه معتقدند خداوند تمام مکارم اخلاق و آداب را در وجود انسان به ودیعه نهاده است و در رابطه مرید و مرادی، در واقع شیخ چیزی به مرید آموزش نمی‌دهد، بلکه با تربیت معنوی خویش، باعث ظهور و بروز آن ودیعه الهی در وجود مرید، از قوه به فعل می‌شود. (سهروردی، 1427، ج 2: 120)

دو) اصالت باطن: صوفیه، علم باطن را سرّی از اسرار نبوت (مکی، 1424: 81) و بقیه علوم را وسیله ابلیس برای گمراهی می‌دانند.¹ ایشان علوم ظاهری را متعلق به عالم ملک و کارگزار آن را زبان، ولی علم باطن را از عالم ملکوت و کارگزار آن را خزانه آن را قلب معرفی می‌کنند. (همان: 53)

سه) استادمحوری: روش تعلیم و تربیت صوفیه، یکطرفه و «استادمحور» است. در رابطه مرید و مرادی؛ مراد، فعال مایشاء است و مرید چون مرده‌ای در دست غسل است؛ در ظاهر و باطن، تسلیم ولایت شیخش بوده؛ همه چیز را از خود سلب کرده؛ در هستی خویش، از عقل و اراده گرفته تا اعضا و جوارحش، هیچ تصرفی نکند و تمام وجود خود را به تصرف شیخ واگذارد (رازی، 1322: 133). مرید باید پیر خود را پرستش کند و اگر پیرپرست نشود، نمی‌تواند خداپرست باشد (همدانی، 1341: 333). تسلیم مطلق تا جایی است که مرید

1. «علم نبود غیر علم عاشقی مابقی تلبیس ابلیس شقی».

1194 ♦ نقد تأثیر تصوّف بر آداب «استاد و شاگرد» در کتب تعلیم و تربیت اسلامی قرون میانه

باید از خود هیچ اراده و خواسته‌ای نداشته باشد (باخرزی، 1383: 83)؛ هر چه شیخ می‌گوید، بی‌چون و چرا بپذیرد و فکر مخالفت از مراد، در دلش هم خطور نکند (قشیری، 1374: 45) و سخن شیخ را به منزله سخن خداوند بداند (سلطان‌ولد، 1376: 267). از این رو، برخی از مشایخ صوفیه معتقدند بهترین آدابی که مرید باید در برابر مراد خویش مراعات کند، سکوت و خمود و جمود است (سهروردی، 1427، ج 2: 447). برخی از صوفیه، حرمت استاد را تا جایی حفظ می‌کردند که حتی در زمان حیات وی تدریس نمی‌کردند. از سهل تستری (203-283 ق) روایت شده که وقتی بعد از فراغت از تحصیل، از مصر به شوشتر بازگشت، تا زمانی که استادش ذوالنون در مصر زنده بود، به هیچ مسئله‌ای پاسخ نمی‌داد و وقتی با علم باطن دریافت که استادش درگذشت، شروع به پاسخ دادن به سؤالات، تدریس و سخنرانی کرد. (مستملی بخاری، 1363، ج 1: 215)

2. حضور صوفیه در حوزه تعلیم و تربیت ایرانی اسلامی در قرون میانه

تصوّف جریان‌ی جدایی‌ناپذیر از فرهنگ و جامعه در تاریخ تمدن اسلامی است. صوفیه حضور پررنگ و تأثیرگذاری در شئون مختلف فرهنگ و تمدن اسلامی از جمله حوزه تعلیم و تربیت داشته‌اند. صوفیان دانشمند یا دانشمندان صوفی در طول قرن‌ها به تعلیم حدیث، تفسیر، فقه، اصول، کلام و حتی ادبیات و هنر همت می‌گماشتند. در علم حدیث که شاید بیشترین حجم آموزش در حوزه‌های علمی تمدن اسلامی را از قرون نخستین تا قرون اخیر به خود اختصاص می‌داد، تعداد قابل توجهی از اساتید و محدثین، صوفی یا صوفی‌مسلك بوده‌اند. برای نمونه، حافظ و محدث و مورخ و فقیه شافعی، ابوسعید سمعانی مروی (م. 562 ق) و وقتی در «معجم شیوخ»، اساتیدی را که از آنها حدیث شنیده فهرست می‌کند، بیش از 80 استاد راوی و محدث صوفی را نام می‌برد.

3. تأثیر رویکرد صوفیانه بر آداب استاد و شاگردی در کتب تعلیم و تربیت اسلامی در قرون میانه

بخشی از کتب تعلیم و تربیت اسلامی، به آداب و وظایف شاگردان برابر استادان اختصاص یافته است. رویکرد «مرید و مرادی» صوفیه، در «اصول تعلیم و تربیت اسلامی» نیز ورود پیدا کرده و دانشمندان مسلمان که در این زمینه کتاب نوشته‌اند، آن را ضمن آداب تعلیم و تربیت، گریته‌برداری کرده‌اند. ابن عبدالبر قرطبی (368-463 ق) در کتابش بابی را با عنوان «هیبه المتعلّم للعالم» گشوده و روایاتی از سیره صحابه را در بحث تعلیم و تعلم روایت کرده است؛ از جمله از ابن عباس نقل می‌کند که می‌خواسته مسئله‌ای را از عمر پرسد و به خاطر هیبت او دو سال منتظر فرصت مناسب بوده است (قرطبی، 1996: 129). باید توجه داشت که هیبت به معنی بزرگداشت همراه با ترس، حذر و پرهیز آمده است (مهبیار، بی‌تا: 944). این نویسنده نوعی خضوع آمیخته با ترس برخی محدثین مقابل شیوخ و اساتیدشان را نقل کرده و آن را به عنوان سنت اسلامی و الگویی در آداب تعلیم و تربیت معرفی می‌کند (قرطبی، 1996: 129). راغب اصفهانی معتقد است؛ همان گونه

1195 ♦ سید محمدرضا حسینی وهمکاران

که مریض، طیب را وکیل و صاحب اختیار در درمان خویش قرار می‌دهد و تسلیم امر می‌شود، شاگرد نیز باید در مقابل او امر معلم مطلقاً گردن نهد (راغب اصفهانی، 1980: 150). امام محمد غزالی توصیه می‌کند که شاگرد نباید با استادش با ادبیات امر و نهی صحبت کند؛ بلکه باید زمام تمام امور خویش را به هر ترتیب در اختیار استاد واگذارد (غزالی، بی‌تا، ج 1: 84). امام نووی (631-676 ق) توصیه می‌کند که شاگرد باید مُنقاد معلم باشد و در همه امور از وی مشاوره بگیرد و کاملاً تحت امر او باشد؛ همچون بیماری که منقاد طیب حاذق و ناصح است (نووی، 1987: 45). ابن جماعه کنانی (639-733 ق) می‌نویسد؛ شاگرد باید مُنقاد استاد باشد و از رأی و تدبیر او سرپیچی نکند، بلکه در خدمت او همچون مریضی در حضور طیب ماهر باشد (ابن الجماعه، 2012: 97). در این زمینه روایاتی مانند «مَنْ عَلَّمَنِي حَرْفًا فَقَدْ صَيَّرَنِي عَبْدًا» نیز نقل شده که از نظر اسنادی مورد تردید است. این حدیث که از امام علی (ع) نقل شده، در هیچ یک از منابع روایی شیعه نیامده و عجلونی (از محدثین اهل سنت) آن را از جمله مشهورات و حتی جمله‌ای از شعبه و نه حدیث مأثور، آورده که در صورت حدیث بودن نیز به صورت مرفوع از طبرانی نقل شده است. (عجلونی، 1351، ج 2: 265)

4. نقد تأثیر رویکرد صوفیانه بر آداب استاد و شاگردی در کتب تعلیم و تربیت اسلامی قرون میانه

1. تشبیه «استاد و شاگرد» به «طیب و مریض»

یکی از تأثیرات رویکرد صوفیانه به رابطه «مرید و مراد» در رویکرد تربیتی مبتنی بر کتاب و سنت، تشبیه شاگرد به مریض است. طبق دستورالعمل نویسندگان کتب تعلیم و تربیت اسلامی با رویکرد قرآن و سنت در قرون میانی، شاگرد باید چشم و گوش بسته و با اذعان به جهل خویش، مطیع و مُنقاد استاد باشد و حق هیچ‌گونه نقد و اعتراضی به استاد را برای خودش قائل نباشد.

2. رابطه اخلاقی کاذب

نویسندگان رویکرد مبتنی بر کتاب و سنت، با تأثیرپذیری از آداب مرید و مرادی صوفیه، نوعی رابطه اخلاقی کاذب و غیر معقول را فضیلت می‌شمارند. قائلان این رویکرد، استحیا از هیبت استاد در سؤال کردن را، فضیلتی اخلاقی و از آداب ضروری در تعلیم و تربیت اسلامی معرفی می‌کنند؛ در حالی که پیامبر (ص) این نوع حیا را حیای حُمق¹ نامیده‌اند.

3. استادمحوری

1. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): الْحَيَاءُ حَيَاءٌ إِنْ حَيَاءٌ عَقْلٌ وَ حَيَاءٌ حُمُقٌ؛ فَحَيَاءُ الْعَقْلِ هُوَ الْعِلْمُ وَ حَيَاءُ الْحُمُقِ هُوَ الْجَهْلُ. (کلینی، 1362، ج 2: 106)

1196 ♦ نقد تأثیر تصوّف بر آداب «استاد و شاگرد» در کتب تعلیم و تربیت اسلامی قرون میانه

نظام تعلیم و تربیت اسلامی، تحت تأثیر رویکرد تربیتی صوفیه، «استادمحور» شده است. گفته شده که از بزرگ‌ترین مصیبت‌ها، نشانیدن کتاب به جای معلم است. به گفته امام شافعی، تعلیم گرفتن از درون کتاب - بدون استاد - ضایع کردن علم است (ابن‌الجماعه، 2012: 97). حتی به تبعیت از اندیشه‌های صوفیه گفته‌اند: هر کس مربی ندارد، دین ندارد و مربی او شیطان است (المقدسی، 2011: 156). در این رویکرد، فرایند آموزشی به طور کلی در اختیار استاد است و شاگرد نقش کاملاً منفعلانه‌ای دارد.

4. نقض استقلال شخصیت شاگرد

نگاه صوفیه به مرید و مراد، نگاه صفر و صد است. در این رویکرد تربیتی، «مراد» فعال ما یشاء و «مرید» همچون مرده‌ای در دست مرده‌شور است (رازی، 1322: 133). این رویکرد وقتی به تعلیم و تربیت اسلامی راه یافت، استقلال شخصیت شاگرد را در برابر استاد از وی می‌گیرد و شاگرد هرچند از استادش هم دانشمندتر شده باشد، تا آخر عمر شاگرد باقی می‌ماند. در این صورت، کمتر شاگردی را می‌توان پیدا کرد که برای خودش شخصیتی مستقل از استاد بسازد.

5. خدشه بر استقلال علمی شاگرد

وقتی رویکرد مرید و مرادی صوفیه در تعلیم و تربیت گریخته‌برداری شد؛ اطاعت بی‌چون و چرای شاگرد از استاد، فضیلت معرفی می‌شود؛ در حالی که قرآن، انسان را از تبعیت بی‌چون و چرا در مسائل معرفتی نهی فرموده است: «از آن چیزی که به آن علم نداری پیروی مکن؛ چرا که گوش و چشم و دل، مورد بازخواست هستند» (اسرا: 36). یا می‌فرماید: «بشارت ده به بندگان من، آنان که برای دستیابی به حقیقت، به سخنان گوش می‌سپارند و از بهترین آن پیروی می‌کنند» (زمر: 18-17). در مکتب اهل بیت (ع) نیز «عقل، راهنمای مؤمن است» (کلینی، 1362، ج 1: 25). پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) با اینکه به تصریح قرآن مرجعیت علمی دارند (نحل: 44-43) و خداوند مؤمنین را به تسلیم کامل در مقابل ایشان فرمان داده (احزاب: 56؛ نسا: 65)؛ با این حال شاگردان خویش را به مطالبه‌گری علمی تشویق کرده‌اند؛ برای نمونه، امام صادق (ع) فرمودند: «هر گاه در موضوعی برای شما سخنی گفتم، [دربارهٔ سند آن موضوع] در قرآن، از من پرسش کنید». (کلینی، 1362، ج 1: 60)

(د) بحث و نتیجه‌گیری

در قرون میانه، رویکرد «مرید و مرادی» صوفیه، توسط مؤلفان صاحب‌نظر، در نظام تعلیم و تربیت اسلامی، الگوبرداری و به عنوان آداب «شاگرد و استادی»، در ردیف «اصول تعلیم و تربیت اسلامی» وارد شده است.

این نوع رابطه که شاگرد را به «سکوت»، «خمود»^۱ و «جمود»^۲ در مقابل استاد و انقیاد بی چون و چرا در مقابل وی و سلب اختیار از خویشتن فرا می‌خواند و شاگرد را به میّت یا حتی با ارفاق نویسندگان کتب تعلیم و تربیت، به مریض تشبیه می‌کند، بر خلاف دستور قرآن و سنت است و اعتماد به نفس، استقلال فکری، جسارت علمی، مطالبه‌گری علمی و پرسشگری را از شاگرد سلب می‌کند. در این نظام تربیتی، هر گونه نقد و ردّ نظر استاد، امری قبیح یا دست کم غیر اخلاقی شمرده می‌شود. با توجه به استادمحور بودن نظام تعلیم و تربیت و جایگاه ویژه مدرّسان در تربیت عملی دانش‌پژوهان در تمدن اسلامی و به خاطر اینکه فضای حاکم بر مراکز علمی تمدن اسلامی از جمله ایران در طول این قرن‌ها فضایی صوفیانه بوده و علمای علوم مختلف از فقه و حدیث گرفته تا حکمت و ادبیات نوعاً یا به صورت رسمی لقب صوفی داشته‌اند یا صوفی مسلک بوده‌اند و این مسلک به صورت پیوسته، به شاگردان نیز انتقال پیدا کرده است؛ این امر باعث شده فرهنگ ایران در قرون میانه (قرن 4 تا 7 ق) با اندیشه‌های صوفیه و کنشها و واکنشهای صوفیانه آمیخته شود و رنگ و بوی صوفیانه به خود بگیرد. حاصل این سبک تعلیم و تربیت را می‌توان در تاریخ علوم در ایران دوره اسلامی، حتی در عنوان کتابها به وضوح دید. رشد «تعلیق‌نویسی» و «شرح‌نویسی» در فرهنگ علمی جهان اسلام، حاکی از این رویکرد استاد و شاگردی در نظام تعلیم و تربیت اسلامی است. هر کتاب خوب از دانشمندان مسلمان را که در نظر بگیریم، در کنار آن ده‌ها شرح و تعلیق بر آن را هم می‌بینیم که توسط شاگردان بی‌واسطه و باواسطه نوشته شده است.^۳ شاگردانی که خودشان استاد شده بودند، هنوز هم به خاطر احترام به اساتید و دانشمندان سلف، به جای جسارت علمی و نوآوری، به نوعی تقلید و راهروی علمی دست می‌زدند و اگر استثنائاً شاگردی چون شیخ مفید، در نقد کتاب «الاعتقادات» استادش شیخ صدوق، کتاب «تصحیح الاعتقاد» را بنویسد و به مبانی استاد، انتقاداتی - کاملاً منطقی و در چارچوب اخلاق - وارد کند، آنقدر خلاف عرف و خرق عادت است که در عصر حاضر نیز از آن به عنوان «شورش علیه استاد» یاد شود. (ر.ک: طباطبایی، 1391: 139)



1. خمود به معنی خاموشی، بی‌حالی، سنگینی و رخوت آمده است.
 2. جمود به معنی عدم تحرک، کودنی، نفهمی، توقف و سردی آمده است.
 3. ر.ک: معجم‌هایی مانند عبدالله محمد الحیسی، جامع الشروح و الحواشی؛ معجم شامل لاسماء الکتب المشروحه فی التراث الاسلامی و بیان شروحها، ابوظبی، المجمع الثقافی، 2004.

1198 ♦ نقد تأثیر تصوّف بر آداب «استاد و شاگرد» در کتب تعلیم و تربیت اسلامی قرون میانه

منابع

- ابن الجماعه کنانی، محمد (2012 م). *تذکره السامع و المتکلم فی ادب العالم و المتعلم*. بیروت: دارالبشائر الاسلامیه.
- اشپولر، برتولد (1377). *تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی*. ترجمه مریم میراحمدی. تهران: علمی و فرهنگی.
- العجلونی، اسماعیل بن محمد (1351). *کشف الخفاء و مزیل الالباس عمّا اشتهر من الاحادیث علی السنه الناس*. قاهره: مکتبه القدسی.
- المقدسی، ابن عبدالسلام (2011 م). *حل الرموز و مفاتیح الكنوز*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- باخرزی، یحیی (1383). *اوراد الاحباب و فصوص الآداب*. تهران: دانشگاه تهران.
- باغستانی، اسماعیل (1375). «تعلیم و تربیت 2 و 3». *دانشنامه جهان اسلام*. تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی.
- دهباشی، مهدی و سید علی اصغر میرباقری فرد (1394). *تاریخ تصوّف* (جلد اول). تهران: سمت.
- رازی، نجم الدین (1322 ق). *مرصاد العباد*. تهران: [بی نا].
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (1980). *الذریعه الی مکارم الشریعه*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- سلطان ولد، بهاء الدین محمد (1376). *انتها نامه*. تهران: روزنه.
- سهروردی، ابو حفص عمر (1427 ق). *عوارف المعارف*. قاهره: مکتبه الثقافه الدینیّه.
- شبلی، احمد (1387). *تاریخ آموزش در اسلام*. ترجمه محمد حسین ساکت. تهران: نگاه معاصر.
- طباطبایی، سید هادی (1391). «شورش علیه استاد؛ بررسی کتاب تصحیح الاعتقاد شیخ مفید». *کتاب ماه دین*، ش 184.
- غزالی، محمد (بی تا). *احیاء علوم الدین*. بیروت: دارالکتب العربی.
- غزالی، محمد (1322 ق). *فاتحه العلوم*. مصر: مطبعه الحسینیّه المصریه.
- غنیمه، محمد (1364). *تاریخ دانشگاههای بزرگ اسلامی*. ترجمه نورالله کسائی. تهران: یزدان.
- قرطبی، ابن عبدالبر (1996). *جامع بیان العلم و فضله*. قاهره: مکتبه ابن تیمیه.

سید محمدرضا حسینی وهمکاران ♦ 1199

- قشیری، عبدالکریم (1374). رساله قشیریہ. ترجمه ابوعلی عثمان. تصحیح بدیع الزمان فروزانفر. تهران: علمی و فرهنگی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (1362). الکافی. تهران: اسلامیه.
- کیانی، محسن (1369). تاریخ خانقاه در ایران. تهران: طهوری.
- مستملی بخاری، اسماعیل (1363). شرح التعرف لمذهب اهل التصوف. تهران: اساطیر.
- مکی، ابوظالب (1424 ق). علم القلوب. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- مهیار، رضا (بی تا). فرهنگ ابجدی. [بی جا]: [بی نا].
- میرباقری فرد، سید علی اصغر (1394). تاریخ تصوف (جلد دوم). تهران: سمت.
- نوالی، محمود (1373). «تأثیر عرفان و تصوف اسلامی بر کیفیت تعلیم و تربیت ایرانی». نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، ش 151-152.
- نووی، یحیی بن شرف (1987). ادب العالم و المتعلم. طنطا (مصر): مکتبه الصحابه.
- همدانی، عین القضاة (1341). تمهیدات. تهران: دانشگاه تهران.
- Al-Ajluni, Ismail Ibn Muhammad (1972). **Discovering the secrets and the goodness of the clothes Uncle Ashtar from the hadiths on the Sunnah of the people**. Cairo: Holy School.
- Al-Maqdisi, Ibn Abdul Salam (2011). **Solve the mysteries and keys of Al-Kanuz**. Beirut: Scientific Library.
- Baghestani, Ismail (1996). "Education 2 and 3". In: *Encyclopedia of the Islamic World*. Tehran: Islamic Encyclopedia Foundation.
- Bakharzi, Yahya (2004). **Orad Al-Ahbab and Fusus Al-Adab**. Tehran: University of Tehran Press.
- Dehbashi, Mehdi & Seyed Ali Asghar Mirbagheri Fard (2015). **History of Sufism** (Vol. I). Tehran: Samt.
- Eshpolder, Bertold (1998). **History of Iran in the first centuries of Islam**. Translated by Maryam Mirahmadi. Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company.
- Ghazali, Muhammad (1904). **Fatehat Al-oloum**. Egypt: Al-Husseiniyah Press.

1200 ◆ نقد تأثیر تصوف بر آداب «استاد و شاگرد» در کتب تعلیم و تربیت اسلامی قرون میانه

- Ghazali, Muhammad (without date). **Revival of the sciences of religion**. Beirut: Dar Al-Kitab Al-Arabi.
- Gonayma, Mohammad (1985). **History of major Islamic universities**. Translated by Noorullah Kasaei. Tehran: Yazdan.
- Hamedani, Ayn al-Quds (1962). **Preparations**. Tehran: University of Tehran.
- Ibn al-Jama'a Kanani, Muhammad (2012). **Note the listener and the speaker in the literature of the world and the learner**. Beirut: Dar al-Bashir al-Islamiyah.
- Kiani, Mohsen (1990). **History of the monastery in Iran**. Tehran: Tahoori.
- Kolini, Muhammad ibn Ya'qub (1983). **Enough**. Tehran: Islamieh.
- Mahyar, Reza (Bita). **Abjad culture**. [Bija]: [Bina].
- Maki, Abu Talib (2003). **The science of hearts**. Beirut: Scientific Library.
- Mirbagheri Fard, Seyed Ali Asghar (2015). **History of Sufism** (Vol. II). Tehran: Samt.
- Mustamli Bukhari, Ismail (1984). **Explain the definition of the religion of Sufism**. Tehran: Asatir Publications.
- Nawali, Mahmoud (1994). "The Impact of Islamic Mysticism and Sufism on the Quality of Iranian Education". *Journal of the Faculty of Literature and Humanities, University of Tabriz*, No. 151-152.
- Novi, Yahya bin Sharaf (1987). **The literature of the learned and the learned**. Tanta (Egypt): The School of the Companions.
- Qurtubi, Ibn Abd al-Barr (1996). **Comprehensive expression of knowledge and waste**. Cairo: Ibn Taymiyyah School.
- Qusheiri, Abdul Karim (1995). **Risaleye qusheiriah**. Translated by Abu Ali Osman. Correction of the of Forouzanfar. Tehran: Scientific and cultural publication.
- Razi, Najmuddin (1904). **Mersad Al-ebad**. Tehran: [Bija].
- Ragheb Isfahani, Hussein Ibn Mohammad (1980). **Al-Dari'ah to Makarem al-Shari'ah**. Beirut: Scientific Library.
- Sultan Valad, Baha'u'llah Muhammad (1997). **End letter**. Tehran: Rozaneh.

1201 ◊ سيد محمد رضا حسيني وهمكاران

- Suhrawardi, Abu Hafs Omar (2006). **Awaref Al-Maaref**. Cairo: School of Religious Culture.
- Shebli, Ahmad (2008). **History of education in Islam**. Translated by Mohammad Hussein Saket. Tehran: Contemporary Look.
- Tabatabai, Seyed Hadi (2012). **“Rebellion against Master; Review of Sheikh Mofid's book Correction of Belief”**. *Book of the Month of Religion*, No. 184.

